

خاطرات جنگ با تمرکز بر کنشگران یاد

نگاهی به کتاب خاطره و گفتمان جنگ

فرانک جمشیدی



*خاطره و گفتمان جنگ (مقالاتی از امانوئل

سیوان، جی وینتر، استوارت ولف، سیمون

جونز، آنتوان پروست، مارتین جی و پیترو مه پر)

*به اهتمام فرهاد ساسانی

*انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۷

گرایش به سمت تحقیق و تعمق و تأمل موفق به گردآوری مقالات در این باب شده بود و همین امر تجربه همکاری مشترک ارشاد و حوزه را تکرار کرد و حاصل و ثمر آن در سال ۱۳۸۰ کتابی شد به نام **نام آورد؛ عنوان** مجموعه مقالاتی درباره جنگ که هرچند نویسندگان آن نتوانستند به تمامی رأی و رای اهتمام‌کننده آن را جامه عمل بپوشانند، اما مطالعه مقدمه نخست آن برای هر اهل بصیرت، حکایت از آن داشت که گردآورنده مقالات این کتاب کوشیده است جامعه جنگ‌آشنا و جنگ‌آزموده خویش را به کنار گذاشتن رویکردهای متعارف در نگاه به جنگ تشویق و ترغیب کند و لزوم توجه به جنبه‌های کمتر کاویده و نادیده جنگ را یادآور شود. از جمله این ناچسته‌های بایسته برای پژوهش جدی درباره جنگ می‌توان به خاطرات، دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها، زندگی‌نامه‌ها، یادمان‌ها، نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها اشاره کرد که تا آن زمان جز تنی چند به اهمیت و ضرورت کاوش آن‌ها پی نبرده بودند و از آن تعداد انگشت‌شمار هم، تأکید بر این که این کار جز با همراهی و همپویی صاحب‌نظران رشته‌های متعدد علوم انسانی و اجتماعی

سال ۱۳۷۷ که نهمین شماره نامه پژوهش ویژه دفاع مقدس با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و واحد پژوهش دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری منتشر شد، داد سخن درباره سست‌جانی بنای مطالعات و تحقیقات جنگ و وابستگی و پیوستگی شبه‌جریان تحقیقی به جریان قدرتمند تبلیغی-ترویجی-تکریمی جنگ هنوز آنقدر زود هنگام و بعضاً بی‌هنگام به نظر می‌رسید که کمتر توجه و اعتنایی را برانگیزد. حتی یکی از ارزشمندترین مقالات این مجموعه به نام «راز مزار»، که با رویکرد نشانه‌شناختی به اهمیت مزارها در مطالعات فرهنگی پرداخته بود، چند سالی طول کشید تا به دید و نظر اصحاب علم و قلم بیاید و اینجا و آنجا درباره آن سخنی گفته شود.

اما انکار نمی‌توان کرد که شماره ۹ نامه پژوهش در میان سایر شماره‌هایی که قبل و بعد از آن انتشار یافت، به وجهی و سببی متفاوت می‌نمود و آن وجه و سبب، در وهله نخست این بود که تا آن زمان کمتر مجموعه‌ای ویژه جنگ با رهایی نسبی از استیلا و نفوذ جریان تبلیغی و

شدنی نیست، تأکید مورد وفاق و اجماع نبود.

سال ۱۳۸۱، انتشار کتاب **یاد مانا** از سوی واحد پژوهش دفتر ادبیات و هنر مقاومت و تمرکز این کتاب بر موضوع خاطره و خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی، به‌طور جدی از پیدایی دانشی به نام دانش خاطره‌شناسی یا دست‌کم ضرورت پژوهش روشمند و سامان‌مند درباره خاطرات، به‌ویژه خاطرات جنگ خبر داد.

همان سال انتشار کتاب **جنگ و خاطره** که همچنان حاصل همکاری این واحد با دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران بود، این گزاره را که، دانشی به نام خاطره‌شناسی در راه است، از ادعایی گزاف به، دست‌کم، ادعایی قابل بحث و مناقشه تبدیل کرد. در عین حال شکل‌گیری نظرگاهی جدید در مطالعه خاطرات جنگ را نوید داد؛ نظرگاهی که خاطره و خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی جنگ را نه فقط مناظره خاطر‌نویس جنگ با مخاطبان خویش در هر جامعه و در میان هر ملت با هر آیین و کیش تلقی می‌کرد، بلکه به تبع آن، برای خاطرات جنگ شأنیت تفکر برانگیز بودن قائل می‌شد و این، فتح باب بحثی جدی درباره خاطرات و خاطرات جنگ بود، مبنی بر این که آیا اساساً می‌توان چیزی را که بن‌مایه‌های آن به هر روی از تخیل و دنیای ذهنی نویسنده سرچشمه می‌گیرد و این هر دو، فلش راهنمای نگرش و زاویه دید راوی در روایت موضوعی است که در عالم واقع به وقوع پیوسته است، موجب و موجد معرفت دانست؟

بیهوده‌گویی است اگر گفته شود این نوع نگاه ژرف به خاطرات (از جمله خاطرات جنگ)، به‌موازات چاپ و انتشار این کتاب به نگاهی عام و فراگیر تبدیل شد. حتی همان یک مصاحبه‌ای که در «کتاب ماه هنر» با عنوان «خاطره‌نویسی به‌مثابه دانش و روش» (خرداد و تیر ۱۳۸۴) به چاپ رسید، مربوط به سه سال بعد از انتشار این کتاب است. با این همه، بایسته است صرف شکل‌گیری نوع خاصی از نگاه و نظر به موضوع خاطره، که تا حدودی به ماهیت بحث‌های معرفت‌شناختی نزدیک است، مغتنم شمرده شود.

در کتاب «جنگ و خاطره» برای نخستین بار اصطلاح تاریخ‌فرهنگی به کار برده شد؛ اصطلاحی که به‌جرات می‌توان گفت تا آن زمان به هیچ روی به‌عنوان یکی از واژگان کلیدی ادبیات این موضوع شناخته شده نبود و البته هنوز هم چندان شناخته شده نیست. گرچه همین ناشناختگی تاکنون آن را از آسیب استحاله و تقلیل معنا، که ناشی از فراوانی کاربرد یا کاربردهای نابجا و نارواست، مصون نگاه داشته است. این اصطلاح ناظر بر رویکردهای فرهنگی هر جامعه در زیستن تجربه‌ای است که از سر گذرانده و نیز معرفت‌یابی صورت‌گوناگون بازنمایی واقعیت آن تجربه است. بنابراین، ناگفته پیداست که نگاه به خاطرات جنگ، به‌مثابه پاره‌تصویرهای متعدد از یک تجربه واحد، از منظر و رویکرد تاریخ‌فرهنگی تا چه حد محل اعتنا و تا چه میزان پذیرای

مطالعات تطبیقی است.

با این توضیح اهمیت کتاب **با یاد خاطره** که در سال ۱۳۸۴ از سوی واحد پژوهش منتشر شد، بیش‌تر آشکار می‌شود. نگاهی به معرفی‌های کوتاه و گذرا و شتابزده از این کتاب در اینجا و آنجا - که اغلب با استناد به فهرست موضوعی کتاب حاضر صورت گرفته است - به‌خوبی نشان می‌دهد جان‌مایه تلاش نویسنده «با یاد خاطره» در جهت انتقال این معنا به خواننده خویش که مجموع خاطرات درباره موضوع یا پدیده‌ای خاص را به‌مثابه تاریخ ذهنیت انسان‌ها درباره آن موضوع یا پدیده تلقی کنند و از این رو با درنگ و درایت و دانایی به گردآوری، ویرایش، تصحیح، تنقیح، تدوین، بازآفرینی، بازخوانی و ... آن بپردازند، تا حد زیادی نادیده گرفته شده و همین غفلت، باب سرفته‌های ناشیانه از پاره‌هایی از این کتاب و کتاب «یاد مانا» و در نتیجه، شکل‌گیری نسخه‌های کم‌جان و رمق از این دو کتاب را باز کرده است.

با وجود این، آنچه بیش از توقف برای اثبات رونویسی‌های سست و سهل‌انگارانه این‌گونه نسخه‌بدل‌ها مهم می‌نمود، ادامه و استمرار جریان بود که به‌تدریج ولی با قوت پیش می‌آمد و در سال ۱۳۸۴ منجر به انتشار مجموعه مقالات دیگری تحت عنوان **گفتمان جنگ در رسانه‌ها و زبان ادبیات** شد. واحد پژوهش با چاپ و انتشار این کتاب کوشید با اتخاذ رویکرد گفتمانی، به‌مثابه رشته واحد انسجام‌دهنده مقالات این مجموعه، در گزینش و چینش مقالات به بررسی نقش زبان و ترفندهای زبانی در یکپارچه‌کردن روایت‌های جنگ بپردازد و نشان دهد چگونه مفهوم ویژه‌ای از جنگ به‌واسطه زبان و در قالب خاطره‌ها و روایت‌ها در اذهان جامعه شکل می‌گیرد، چندانکه تناقض‌ها و گسست‌هایی که ذاتی واقع‌های چون جنگ هستند، پنهان بمانند و ظاهر و بارز نشوند.

واحد پژوهش در سال ۱۳۸۵ با انتشار کتاب **در قلمرو سوگ و خاطره** نه فقط مباحث گفتمانی کتاب «گفتمان جنگ در رسانه‌ها و زبان ادبیات» را کامل‌تر کرد بلکه به‌طور جدی کاربست رویکرد تاریخ‌فرهنگی در نگاه به خاطرات جنگ را یادآور شد و با محور قراردادن موضوعاتی درباره خاطرات سوگ و فراق و داغ‌دیدگی و تشریح سازوکارهایی که منجر به یادسپاری یا یادبردن می‌شود، نشان داد که خاطرات چگونه به تلاش انسان‌ها برای زیستن با تجربه جنگ معنا می‌دهند و افزون بر این چگونه با آفرینش زبانی جدید درباره جنگ به تفسیر واقعه می‌پردازند.

این تاریخچه کوتاه که به بهانه‌ی معرفی کتاب **خاطره و گفتمان جنگ** نوشته شد، در حکم شناسنامه نوع جدیدی از رویکرد و منظر مطالعاتی و تحقیقاتی درباره جنگ باید دانسته شود که به‌تدریج و در طول سالیان در واحد پژوهش دفتر ادبیات و هنر مقاومت شکل گرفته و بالیده و پیش آمده است. بنابراین، بدون آن که بزرگ‌نمایی فعالیت‌های این واحد را

جایی داده شود. بلکه مهم‌تر از آن، جلب کردن نظر خوانندگان این کتاب به شکل‌گیری جریان کند و پنهانی است که در ثبت و ضبط وقایع، بیش‌تر به ذهنیت عاملان آنها نظر دارد تا به آنچه دقیقاً در عین و عمل رخ داده است. این توجه به ذهنیت عاملان است که سپس اهمیت توجه به تظاهرات فرهنگی برخاسته از یک تجربه تاریخی مثل جنگ را برجسته می‌کند و چون در پی جست‌وجوی مظاهر فرهنگی تجربه‌های تاریخی است، به مطالعه واقعه در بستر فرهنگ عمومی معطوف می‌شود و ادامه این سیر و روند است که خاطرات مدرن جنگ را می‌آفریند؛ خاطراتی که از سطوح پایین جامعه به سطوح بالا یا از میان توده مردم می‌جوشند و سربرمی‌آورند و ما را با ظهور و بروز پدیده‌ای به نام خاطرات مردم مواجه می‌کنند.

به آخرین حلقه این جریان مهم اشاره می‌شود تا ذهن علاقه‌مندان به بحث خاطرات و خاطرات جنگ برای مطالعه عمیق‌تر کتاب «خاطره و گفت‌وگو جنگ» تشحیذ و ترغیب شود: در تداوم و استمرار برجسته‌شدن بحثی در خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی جنگ تحت عنوان ذهنیت‌های عاملان خلق خاطره‌های جنگ و تلقی مجموع این ذهنیت‌ها به تظاهرات فرهنگی یک جامعه درباره جنگ و ته‌نشست شدن این تظاهرات فرهنگی در ظرفی به نام فرهنگ عمومی و سرانجام شکل‌گیری پدیده‌ای به نام خاطرات جنگ، یک امکان بسیار استراتژیک در مطالعه تاریخ‌فرهنگی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق در حال تولد است و آن، امکان مطالعه تطبیقی خاطرات این جنگ با خاطرات کشورهای جنگ‌زیسته است.

تحقق این امکان در عمل، یعنی رهایی موضوعی به نام جنگ ایران و عراق از چنبره دیدگاه‌های انحصارطلبانه‌ای که عده‌ای همواره به بهانه متمایز جلوه‌دادن آن کوشیده‌اند آن را از دسترس هرگونه بازکاوی نظام‌مند و روشمند دور نگاه دارند. همچنین تولد این امکان، مقدمه یک اتفاق میمون دیگر نیز هست؛ بازجست خصوصیات فراملی و همگرایی‌های فرهنگی که میان کشور ما و سایر کشورها وجود دارد.

با نگاه پژوهش‌محوری که ذهن و زبان و ضمیر کنشگران یاد را در هر شکلی از اشکال خلق و بازآفرینی و بازخوانی و گردآوری و تصحیح و تدوین خاطرات جنگ می‌کاود، بسا که زبان خاطرات برای نشان دادن همگرایی‌ها و اشتراکات ملتها به مراتب اولی و ارجح باشد به زبان و روابط دیپلماسی. در این صورت، خاطرات جنگ، مجال گفت و شنود ملتها با یکدیگر و تبادل تجارب زیسته‌شان درباره وقایع متعددی است که از سر گذرانده‌اند. این چیزی است که چنانچه به‌تمامی حاصل شود، باب همدردی و همدلی ملتها را به هنگام رخدادهای تلخ و تکان‌دهنده باز خواهد کرد.

پی‌نوشت

۱ - این اصطلاح از آن آقای دکتر فرهاد ساسانی است.

مراد و منظور کرده باشد، به‌مرور و مذاقه در سیر و پیشینه‌ای پرداخته است که اساساً به‌مثابه سنگ بنای منظر و رویکرد فعلی به‌شمار می‌رود تا این که در ادامه به چاپ و انتشار اثر مذکور انجامیده است.

به نظر می‌رسد، این نهج و مشی که در معرفی یک اثر جدید بیش از آن که به شناساندن نویسنده (ها) و رویکردهای آن‌ها به موضوع مورد بحث و سپس فصول متعدد کتاب اهتمام کند، به نزدیک کردن ذهن مخاطب درباره «آنچه گذشت» یا عطف به ماسبق یک اثر می‌پردازد، بهتر بتواند به مخاطب در فهم واژگان کلیدی و در نتیجه، هضم و جذب مطالب آن اثر کمک کند. در کتاب «خاطره و گفت‌وگو جنگ» نیز واژگانی چون «خاطره»، «گفت‌وگو» و «گفت‌وگو جنگ» واژگانی اساسی و کلیدی‌اند که فهم عمیق آنها با عنایت به موضوعات گسترده و وسیعی که در این کتاب از آن‌ها بحث می‌شود، منوط به ادراک صحیح از هشت دسته واژگان کلیدی آثار قبلی این واحد است:

۱) **تاریخ** و مشتقات جدید آن به‌حسب چارچوب مطالعات فرهنگی که این واحد در نگاه به جنگ آن را اتخاذ کرده است. نظیر تاریخ ذهنیت‌ها، تاریخ فرهنگی، تاریخ مردم، تاریخ اجتماعی، تاریخ یادبود، پژوهش تاریخی و ...؛ ۲) **جنگ** و موضع بنیادین واحد پژوهش در قبال جنگ به نام جنگ پژوهی؛ ۳) **خاطره** و مشتقات مهم آن به‌حسب چارچوب مذکور نظیر خاطره‌پژوهی، خاطره روایی، خاطره فرهنگی، خاطره مردم، خاطره مدرن و ...؛ ۴) **روایت** و مشتقات آن نظیر روایت تاریخی، روایت رسمی، روایت سیاسی، روایت عمومی، روایت مردم‌پسند، روایت‌کننده و ...؛ ۵) **زبان** و آنچه به تبع زبان اهمیت می‌یابد؛ ۶) **فرهنگ** و مشتقات آن نظیر نظام فرهنگی، نظریه فرهنگی، تفسیر فرهنگی، فرهنگ جنگ، فرهنگ مردم، فرهنگ یادبود و ...؛ ۷) **قدرت** و آنچه به تبع قدرت اهمیت می‌یابد نظیر ساختار سیاسی، رهبری سیاسی، قدرت سیاسی و ...؛ ۸) **عامل یا کنشگر یاد** و مشتقات آن نظیر عاملیت یا کنشگری، عامل انسانی یا کنشگر انسانی، یادبودگر یا کنشگر یاد، کنشگر جنگ و ...

چنانچه خواننده به‌مدد پیشینه‌ای که به‌اجمال از آن یاد شد، به مطالعه کتاب «خاطره و گفت‌وگو جنگ» بپردازد، بهتر درمی‌یابد که تولد و ظهور و بروز خاطرات مدرن جنگ هرگز به‌یکباره و ناگهانی و بی‌پیشینه نبوده است، بلکه اگر امروز خاطرات جنگ با زبانی دیگر و تا حدودی متفاوت با زبان سنتی تقدس‌گرایانه، از جنگ سخن می‌گویند و اینجا و آنجا نقد و نظرهایی می‌شنود یا می‌خواند درباره لزوم برجسته‌سازی و جوه پنهان جنگ، افشای ابعاد غیرقابل اعتراف آن، تأکید بر آشکارسازی رنج‌های روحی و جراحات جسمی رویت‌نشده حاصل از جنگ، که همگی با پیرایش‌گری‌های استادانه تاریخ جنگ صورت گرفته است، از کجا نشأت گرفته‌اند و چرا و چگونه.

البته قرار نیست با این سخن افتخار پیشگامی در این راه به کسی یا